

# آسیب شناسی خصوصی سازی مدارس، اصالت سود یا اصالت تعلیم و تربیت

۱. نازی سنگ سفیدی

دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، دبیر آموزش و پرورش شهرستان سبزوار

**Mail: Sangsefidi1388@gmail.com**

## چکیده

به عقیده بسیاری از صاحب نظران استفاده از سرمایه گذاران شاید در هر حوزه‌ای عملی شایسته و بجا باشد، اما در حوزه آموزش و پرورش که تعدادی کودک و نوجوان به امید کسب آموزش و تربیت جمع می شوند وقتی نگاه سودده به آن باشد کاملاً به ضرر است. زیرا در این میان خروجی آموزش و پرورش از اهمیت ساقط می شود و دغدغه فقط تأمین سود سرمایه گذاران است و این مهم زنگ خطری برای حوزه آموزش و پرورش در کشور است. لذا بخش خصوصی هر چند که موتور توسعه اقتصادی به شمار می رود و باز گذاشتن میدان برای آنها از سوی دولت مناسب و بجا است اما در حوزه تعلیم و تربیت دولت نباید کنترل آن را کاملاً در اختیار بخش خصوصی و سرمایه گذاران قرار دهد.

در این صورت هدف نهایی از آموزش و پرورش در کشور که همان تعالی نیروی انسانی است از بین رفته و هدف تنها غنی تر ساختن تعدادی سرمایه گذار خواهد بود. این اقدام مدرسه را به یک بنگاه اقتصادی تبدیل می کند که معادلات اسلامی و بومی را در حوزه تعلیم و تربیت جابه جا خواهد کرد. مسوولان وزارت آموزش و پرورش بر فرایند خصوصی سازی مدرسه های دولتی اصرار دارند. این در حالی است که برخی نمایندگان مجلس و کارشناسان در جایگاه مخالفان این تصمیم قرار گرفته اند. مسوولان وزارت آموزش و پرورش هدف اصلی از اجرای خصوصی سازی مدارس را صرفه جویی در هزینه های سنگین آموزشی، افزایش مشارکت در فعالیت های آموزشی- پرورشی و همچنین جبران کمبود نیرو بویژه در منطقه های محروم عنوان می کنند. در مقاله حاضر قصد داریم به خصوصی سازی مدارس، اصالت سود یا اصالت تعلیم و تربیت بپردازیم.

**کلیدواژه :** خصوصی سازی، مدارس، اصالت سود، تعلیم و تربیت.

## ۱. مقدمه

آموزش و پرورش "مهم‌ترین و کلیدی‌ترین کرسی تربیت نسل آینده است، به همین جهت سال‌هاست جنگی خاموش در جهان به منظور غلبه فرهنگی - سیاسی و اجتماعی بر این بخش مهم و حیاتی در میان قدرت‌ها و نظامات جهانی در جریان است. از تلاش شرکت‌های چندملیتی برای تصاحب مدارس در کشورهای جهان سوم گرفته تا تدوین قوانین و جزوات آموزش همگانی بالاترین نهادهای دولتی کشورهای کمتر توسعه یافته مسلمان که به صورت مستقیم توسط نهادهای بین‌المللی سیستم سرمایه داری اعم از یونسکو و غیره انجام می‌شود. مروری کوچک بر طرح‌ها و ایده‌های جهانی در امر "آموزش" نشان از آن دارد که ایده "جهانی سازی" جوامع با هدف تربیت نسلی مطیع و فرمانبردار از بنیان سیستم لیبرال سرمایه داری، نیازمند "خصوصی شدن" و خروج داوطلبانه دولت و حاکمیت‌های مردمی از این حوزه پرمشتری است (ر.ک: طباحی، ۱۳۹۳).

هدف اصلی نظام آموزش و پرورش در رابطه با خصوصی سازی مدارس این است که در مدارس محروم بویژه در مناطق حاشیه‌ی شهرها، از مشارکت مدارس غیر دولتی که عملکرد آن‌ها در فعالیت‌های آموزشی و پرورشی موفق بوده استفاده کنند. به این صورت که فضای این مدارس در اختیار موسسان غیر دولتی قرار می‌گیرد و در مقابل از آن‌ها خدماتی درخواست می‌شود. در این طرح بجای استفاده از سرباز معلمان در مدارس دولتی، از نیروهای متخصص و توانمند بومی که دوره‌های بدو خدمت و ضمن خدمت را گذرانده‌اند استفاده خواهد شد.

در واقع نمی‌توان نظری صرفاً منفی یا مثبت نسبت به این طرح و پیامدهای آن ارایه کرد. هدف این طرح افزایش مشارکت مردمی عنوان شده است ولی باید در نظر داشت این طرح نیز ممکن است همچون طرح «مدارس راه دور» در اجرا به گونه‌ی رقم بخورد که سود زیادی را به جیب عده‌ی کم برساند. بطور معمول، آموزش و پرورش سالانه به ازای هر دانش آموز نزدیک به یک و نیم میلیون تومان هزینه می‌کند. با هدف صرفه جویی قرار شد به ازای هر دانش آموز ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان به موسسان داده شود تا آن‌ها یک سال همه‌ی هزینه‌های مدرسه را بر عهده گیرند. آموزش و پرورش، مدرسه را با قراردادی یک ساله در اختیار موسس می‌گذارد تا یک میلیون تومان صرفه جویی کند. در برابر، این نکته که بخش خصوصی همواره به دنبال منافع خود است نادیده گرفته می‌شود. بنابراین، در صورت توسعه‌ی این

طرح و افزایش مدارس زیر پوشش، میزان استفاده از معلمان کارآمد کاهش می یابد و افرادی ناکارآمد با حداقل حقوق، آموزش دانش آموزان را برعهده می گیرند.

این موضوع در کنار سرنوشت نامعلوم معلمان حق التدریس یکی از اصلی ترین نگرانی های وارد شده به این طرح است. بسیاری از مخالفان بدون هیچ بررسی یی می گویند ممکن است موسس برای کم کردن هزینه ها از معلم های بی تجربه استفاده کند. این در حالی است که یکی از شروط ما با موسسان، استخدام نیروهای مجرب است. علاوه بر این، ما همه ی مبلغ را یکباره به موسسان پرداخت نمی کنیم بلکه هر ۲ ما یکبار پرداخت می شود. ما از موسسان تعهد می گیریم که ۲۰ درصد آخر مبلغ تنها در مقابل کیفیت مطلوب آموزش و پرورش پرداخت می شود. بنابراین به هیچ وجه جای نگرانی نیست.

در واقع به دلیل ناهمخوانی منابع درآمدی آموزش و پرورش و هزینه های آن، جلب مشارکت مردمی ضرورتی اجتناب ناپذیر است، که البته تداوم روند خصوصی سازی به شیوه یی که تاکنون صورت گرفته، تنها به شکل گیری مدرسه هایی منجر خواهد شد که هزینه های متفاوتی از دانش آموزان دریافت می کنند، اما خدماتی مشابه ارایه می دهند.

متأسفانه اهداف سیاست خصوصی سازی در آموزش و پرورش برای مجریان روشن نیست. عده ای می گویند هزینه های آموزش و پرورش همچنان بر عهده ی دولت خواهد بود اما مدیریت و بخش اجرایی تعلیم و تربیت واگذار می شود. راهی که این گروه پیشنهاد می کنند برونسپاری و خرید خدمات آموزشی از بخش خصوصی است. عده یی معتقدند دولت نمی تواند هزینه های در حال افزایش آموزش و پرورش را تامین کند و بخش خصوصی و مردم باید در تامین هزینه ها به یاری دولت بشتابند. اینها امیدوارند سهم مدارس غیردولتی که وابسته به بودجه دولتی نیستند، افزایش یابد و مثلاً در یک دوره ی ۵ ساله از پوشش ۸ درصدی کنونی به ۲۰ درصد کل دانش آموزان برسد. عده یی هم معتقدند باید به هر طریق، به هر مقدار و با هر روشی از دانش آموزان مدارس دولتی پول گرفت.

با این حال اگر دولت آموزش و پرورش را نهادی حاکمیتی می داند، صحبت از خصوصی سازی بی معنا است زیرا امور حاکمیتی را به بخش خصوصی نمی سپارند. در صورت تلقی حاکمیتی از آموزش و پرورش دولت باید همانگونه که هزینه های دفاعی و امنیتی را پرداخت می کند همه ی هزینه های آموزش و پرورش را هم پرداخت کند. با نگاه حاکمیتی، توسعه ی بخش خصوصی در آموزش و پرورش و تاسیس مدرسه ی غیر دولتی بی معنا و صوری است همچنان که مدارس غیرانتفاعی موجود را نیز نمی توان مدرسه ی خصوصی به معنای واقعی آن دانست. در صورتی هم که آموزش و پرورش نهادی خدماتی تلقی شود

مشارکت مالی و سرمایه گذاری بخش خصوصی بدون تفویض اختیارات جدی معنا ندارد زیرا منطقی نیست که گزینش معلم، انتخاب مدیر و تعیین ریز برنامه درسی و تربیتی در اختیار دولت باشد و بخش خصوصی فقط پول بدهد.

## ۲. بیان مسئله

همانگونه که واقفیم اینکه نقش مدارس خصوصی نسبت به مدارس دولتی از لحاظ تعلیم و تربیت چگونه است شاید برای بیشتر پدران و مادران در موقع به مدرسه رفتن فرزندانشان پیش می آید و حساسیت زیادی در این زمینه به خرج می دهند.

برای مدارس دولتی می توان ویژگی های زیادی را برشمرد که فرستادن بچه ها به چنین مدرسی را توجیه می کند از جمله هزینه های پایین، نزدیکی به محل سکونت و اینکه نوع مدیریت در این مدارس کاملاً متفاوت است. از یک سو کارکنان اجرایی و آموزشی مدارس دولتی، مباحث آموزشی و تربیتی را هدفمندتر دنبال می کنند و از سویی دیگر موضوع آموزش و پرورش در این گونه مدارس به چشم یک شغل و حرفه نگریسته می شود.

این نوع نگاه سبب می شود خروجی های مدرسه در آموزش تضمینی نداشته باشند و معلمان چون از سوی اداره آموزش و پرورش به مدرسه معرفی می شوند با مدیر و شیوه تربیتی و آموزشی او هماهنگ نبوده لذا این بر خروجی های نامتناسب با فرهنگ آموزشی می افزاید. در کنار معایب و مزایای مدارس دولتی، مدارس خصوصی نیز هستند که معایب و مزایای خود را دارند. معمولاً مدارس غیر دولتی یا همان خصوصی ها دارای برنامه های فوق العاده و کادر آموزشی مجرب هستند و در ازای هزینه های بیشتر نسبت به مدارس دولتی خدمات با ارزش تر ارائه داده و از معلمان باتجربه تر استفاده می کنند. تعداد کمتر دانش آموزان در کلاس درس این مدارس باعث می شود که معلم وقت بیشتری برای پیشرفت تحصیلی و فرهنگی دانش آموز بگذارد. اما متأسفانه این روزها هزینه های سرسام آور مدارس خصوصی مزایای آن را تحت الشعاع قرار داده است. بطوریکه برعکس نامی که بر آن نهاده شده است به صورت انتفاعی و سودده در آمده است. در بسیاری از موارد دیده شده است که از سرمایه گذاران و با تعیین سود تضمین شده برای ایجاد مدارس خصوصی دعوت به عمل آمده است.

### ۳. ضرورت و اهمیت موضوع

بدون شک خصوصی سازی در بسیاری از حوزه های کشور پیامدهای مثبتی را به بار خواهد آورد. این فرایند در آموزش و پرورش نیز می تواند به ارتقای کیفیت خدمات رسانی منجر شود ولی نکته ی مهم این است که اقدام به خصوصی سازی به شکلی شتابزده و بدون تشکیل کارگروه های تخصصی نتیجه یی معکوس را به دنبال خواهد داشت و حتی هزینه های زیادی را بر موسسان و آموزش و پرورش تحمیل خواهد کرد.

اگر دولت خواهان مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش است باید آن را یک نهاد عمومی و متعلق به مردم بداند و همزمان با نظارت بر رعایت استانداردهای آموزشی و تربیتی اختیاراتی در حوزه ی برنامه ریزی، مدیریت، تدوین محتوای کتاب های درسی، شیوه های آموزشی، انتخاب معلم، مدیر و... به موسسان مدارس خصوصی واگذار کند تا فضای رقابتی ایجاد شود و شهروندان حق انتخاب بین مدارس متفاوت را پیدا کنند. خصوصی سازی آموزش و پرورش با شیوه هایی مانند اعزام دانش آموزان با پول دولت به مدارس خصوصی، واگذاری مدارس دولتی به نهادها و موسسات نیمه دولتی و موسسان مدارس خصوصی فقط به ایجاد رانت های جدید برای کارکنان، مدیران و کارشناسان بخش های مرتبط اداری و وابستگان آنها، افت کیفیت آموزش، حیف و میل بودجه و اموال دولتی و افزایش حجم گزارش ها و آمار دروغین منجر خواهد شد.

وزارت آموزش و پرورش در چارچوب طرح اجرایی خود در سال جاری، ۹۰۰ مدرسه ی دولتی را به قیمتی بسیار پایین تر از سرانه ی تحصیلی دانش آموزان به موسسان مدارس غیرانتفاعی اجاره داد. در حالی که سرانه ی تحصیلی دانش آموزان در سال جاری یک میلیون و ۸۵۰ هزار تومان است، مدارس دولتی با سرانه ی ۴۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان برای هر دانش آموز به موسسان مدارس خصوصی اجاره داده شد. وقتی موسسان مدارس غیر دولتی بخواهند با یک سوم سرانه ی دولتی، مدرسه یی را اداره کنند ناگزیرند از معلمان ارزان به جای معلمان رسمی در مدارس واگذار شده استفاده کنند. اجاره کنندگان مدارس دولتی، معلمان بازنشسته که حوصله و انرژی کافی ندارند و جوانان بی تجربه و خسته از بیکاری را که آموزش لازم برای معلمی ندیده اند با حقوق ماهانه ۴۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان به کارگرفتند. این در حالی است که به گفته ی مسوولان، میانگین حقوق کارکنان آموزش و پرورش یک میلیون و ششصد هزار تومان است! به این ترتیب دود این کار به چشم دانش آموزان می رود.

اقدامات سردرگم و مبهمی که زیر عنوان خصوصی سازی در آموزش و پرورش اجرا می شود در دوره بی چهار ساله چهار پیامد را به دنبال خواهد داشت؛ نخست اینکه دشواری های دولت در تامین بودجه ی وزارت آموزش و پرورش کاهش نخواهد یافت همچنین ضمن مخدوش شدن مفهوم مدرسه ی دولتی کیفیت در این مدارس به شدت تنزل یافته و هرج و مرج مالی افزایش خواهد یافت. پیامد سوم این است که تعدادی از مدارس قدیمی تهران به عنوان عناصر هویت فرهنگی شهر ناپدید می شوند و به جا آنها پاساژ، بانک، موسسه ی بیمه و ... ساخته خواهد شد. در نهایت نیز هیچ سرمایه یی از طرف بخش خصوصی وارد بخش آموزش و پرورش نخواهد شد و در برابر مقداری از بودجه ی دولتی به جیب موسسان مدارس خصوصی خواهد رفت.

آنچه مشخص است خصوصی سازی در بخش های گوناگون با توجه به اسناد بالا دستی کشور و ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی امری لازم و ضروری است. همچنین، هزینه های بسیار سنگین آموزشی که بر دوش دولت و وزارتخانه ی مربوطه سنگینی می کند بیش از پیش بایسته های خصوصی سازی در آموزش و پرورش را نمایان می سازد. با این حال انتقاداتی در زمینه ی فرایند یاد شده وجود دارد که نشان از نگرانی های گوناگون از پیامدهای طرح خصوصی سازی مدارس دولتی دارد. هر چند برخی از مسوولان آموزش و پرورش در ماه های گذشته تلاش کرده اند ضمن پاسخگویی به این انتقادات، از میزان نگرانی ها نسبت به آینده و پیامدهای طرح خصوصی سازی مدارس دولتی بکاهند اما بررسی های دقیق تر و تخصصی تر در این پیوند می تواند به اصلاح و بهبود برنامه های آموزشی کمک کند (ر.ک: خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵).

#### ۴. خصوصی سازی مدرسه ترفندی برای نجات آموزش و پرورش

«فروش یا انتقال مالکیت صنایع ملی شده، دارایی های دولتی و دیگر مؤسسات تجاری و اقتصادی دولتی به سرمایه گذاران خصوصی، با یا بدون از دست دادن کنترل بر روی این سازمان ها» (قره باغیان، ۱۳۷۲: ۶۳۹) خصوصی سازی گفته می شود؛ که نوعاً بیشتر انتقال مالکیت از بنگاه های عمومی به بخش خصوصی را شامل می شود؛ به عبارت دیگر، خصوصی سازی حاکی از تغییر در تعادل بین حکومت و بازار، در حیات اقتصادی یک کشور به نفع بازار است (ر.ک: تقوی و همکاران، ۱۳۷۴: ۹؛ پاکدامن، ۱۳۷۴: ۱۵).

خصوصی سازی، برای اولین بار در انگلستان در زمان روی کار آمدن دولت مارگارت تاچر در سال ۱۹۷۹ با موفقیت آغاز شد. در کشورهایی مثل فرانسه (۱۹۷۰)، مجارستان، چکسلواکی، شیلی، آرژانتین،

برزیل، مکزیک، بنگلادش (۱۹۷۰)، مالزی (۱۹۸۳) و سریلانکا، خصوصی سازی با موفقیت همراه بوده است؛ اما در ترکیه (۱۹۸۰) با این که اقدامات وسیعی در زمینه سیاست‌های تعدیل ساختاری و خصوصی سازی به طور هم‌زمان مبادرت گردید، ولی این اقدامات با موفقیت چندانی مواجه نبود (ر.ک: مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴: ۶-۱۹).

گرایش بیش از حد به برنامه های جامع توسعه و یا دخالت گسترده دولت در امور اقتصادی، آثار سوئی از جمله بوروکراسی گسترده اداری و اجرایی، عدم کارآیی، بدهی های سنگین خارجی، تورم مستمر دو رقمی و کسری بودجه شدید را سبب گردید (ر.ک: متوسلی، ۱۳۷۳: ۴). دولت ها برای رهایی از این مشکلات، ایجاد فضای رقابتی، دوری از سوء مدیریت ها، فسادها و حمایت ها، لیست های مخفی حقوق که منجر به افزایش هزینه های تدارک کالاها و خدمات کم کیفیت می شود، تأمین کسری بودجه، کاستن از بار مالی بر روی وزارت خانه ها و تعدیل نیروی انسانی، اقدام به خصوصی سازی می کنند (ر.ک: پاکدامن، ۱۳۷۴: ۲۲؛ پرکوپنکو، ۱۳۸۰: ۱۴).

در ایران نیز شکست در امر خصوصی سازی، طی برنامه ی اول و دوم توسعه، دولت را مجبور کرد که در ماه های اولیه اجرای برنامه سوم در جهت اجرای ماده ۱۵ آن، در سال ۱۳۸۰ اقدام به تأسیس سازمان خصوصی سازی کند. تأسیس این سازمان، تحوّل مهمّی در فرایند خصوصی سازی در کشور ایجاد کرد؛ به طوری که در چهار ماهه اول سال، ۲۰۱ میلیارد دلار از دارایی های عمومی به فروش رسید؛ که در سال ۱۳۸۱ از محلّ فروش شرکت های دولتی، ۱۲۰۰۰ میلیارد ریال به دست آمد. در اردیبهشت سال ۱۳۸۱، این سازمان، اقدام به فروش سهام شرکت های دولتی از طریق بورس اوراق بهادار کرد و از طرف دیگر، مجوز تأسیس بانک خصوصی موجب پررونق تر شدن بازار سرمایه در کشور شد (ر.ک: صفارزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

خصوصی سازی مدارس عنوانی که کارشناسان آن را پتکی بر سر نظام آموزش و پرورش می دانند، روندی که با هدف کاهش هزینه های دولت در بحث آموزش و پرورش طراحی شده است اما وضعیت مدارس خصوصی در سایر کشورها چگونه است؟

خرید خدمات آموزشی از بخش خصوصی در ذیل سیاست توسعه مشارکت ها در آموزش و پرورش مدنظر است آموزش و پرورش نشان داده که توانایی بهسازی مدارس کشور را آنگونه که انتظار می رود ندارد و مبالغ هنگفتی از بودجه خود را صرف هزینه های مدیریتی «غیر آموزشی» می کند. آنچه که می تواند این مسائل را حل کند تزریق ایدئولوژی بخش خصوصی به این نظام است و این بخش می تواند مدارس را کارآمدتر بگرداند.

با نگاه مثبت باید در آموزش و پرورش به سمتی گام برداریم که با جدا شدن برخی مدارس از بدنه آموزش و پرورش، بیشتر مدارس به صورت خصوصی اداره شوند. خصوصی سازی در اداره مدارس و فعالیت در قالب‌های غیرانتفاعی و هیئت امنایی می‌تواند آموزش و پرورش را در اداره مدارس دولتی کمک کند. اما چرا مسئولان دولت و آموزش و پرورش به صورت آشکار از خصوصی سازی صحبت نمی‌کنند؟ اصل ۳۰ قانون اساسی مانعی در برابر خصوصی سازی آموزش و پرورش است چرا که مطابق این اصل، تحصیل تا پایان دوره متوسطه رایگان است و تحصیل رایگان در جامعه ایرانی از محبوبیت بیشتری برخوردار است. اختصاص درصد بالایی از بودجه کشور به آموزش و پرورش فشار زیادی را به دولت تحمیل می‌کند که راه حل این مشکل، حرکت آموزش و پرورش به سمت خصوصی سازی است.

## ۵. نقش اصالت سود در خصوصی سازی مدارس

اصالت سود ریشه در مکتب سودانگاری (Utilitarianism) دارد. در تعریف این مکتب آورده‌اند: «مکتبی است که معتقد است کار صواب به آن است که خیر و سود هرچه بیشتر به جهانی ارزانی دارد» (داکوبرت، بی تا: ۱۰۹)؛ به بیان دیگر اساس اخلاقی این مکتب بر سودمندی یا اصل بزرگ‌ترین خوشبختی می‌باشد (لالاند، ۱۳۷۷: ۸۷۶). همچنین آورده‌اند: «مذهب اصالت نفع، قوانینی است که مراعات آنها موجب بیشترین لذت و زیر پا نهادن آنها منتهی به افزونی بدبختی‌های بشر می‌شود» (وارنوک، ۱۳۶۲: ۷۱).

انسان باید در مورد هر چیزی در زندگی مبتنی بر توانایی‌اش قضاوت کند تا بزرگ‌ترین سعادت فرد را ترویج دهد. سودانگاری نظریه‌ای است در مورد خوبی و درستی که برطبق آن تنها چیز خوب، فایده و سود است و فایده باید، در یک راه، به صورت حداکثری لحاظ شود. در واقع این تئوری خوبی و بدی اخلاقی را به وسیله نتایج یا سبب‌های یک عمل، یک قانون تعیین کند و عقیده‌ای است که در آن افعال درست و غلط به وسیله خوبی و بدی نتایج‌شان تعیین می‌شوند (Smart, 1972: 7/ 206).

برطبق تعاریف فوق از نظرگاه این مکتب، فعل درست، فعلی است که قطعاً یا احتمالاً حداقل به عنوان مقدار خوبی درونی نتیجه خواهد داد. یا فعلی است که در صورت تمایل به سعادت، خوب و درست و در صورت عکس بد می‌باشند (Runeii, 1981: 327). با بررسی نظرات و تعریف‌های موجود در این مکتب اخلاقی می‌توانیم اصول اساسی آن را در معنای سنتی و ایده‌آل از هم متمایز نماییم. مکتب اصالت فایده در معنای سنتی، مفهوم فایده و سود را محدود نموده و تنها «لذت» را عامل سعادت انسان‌ها می‌شمارد.



برطبق این تفسیر، سودانگاری سنتی، یک نوع خاص از سودانگاری است که در آن لذت را به عنوان خوبی لحاظ می کنند (Lacye, 1991: 257). به عبارت دیگر در این اندیشه «لذت بالذات تنها چیز خوب است و درد و رنج تنها چیز شر است و سعادت شامل لذت می شود.» (Urmson, & Ree, 1991: 318).

از مهم ترین نمایندگان سنتی «جرمی بنتام» ۸ و «جان استوارت میل» ۹ هستند که بعدها میل درصدد برآمد تا مصادیق مختلفی برای سعادت منتشر کند و در واقع اختلاف کیفی بین انواع مختلف لذت لحاظ نماید (Black bourn, 1996: 388). در قرون اخیر در انگلستان این نظریه تغییر شکل یافت و برطبق آن عمل صواب و درست آن است که موجب خیر و سعادت و صلاح باشد (ر.ک: جوادی، ۱۳۴۸: ۴۰۵؛ داکوبرت، بی تا: ۱۰۹). این اندیشه که به سودانگاری ایده آل معروف است به گستردگی معنای فایده و سود انجامید.

سودانگاری ایده آل مبتنی است بر اینکه دیگر چیزها و همچنین لذت خوب هستند و این تعریف عمومی، درستی و فایده مندی یک عمل را با معیار افزودن شادی انسانی و کاستن درد و غم بشری تعیین می نماید. به طور کلی سودانگاری ایده آل اجازه می دهد که چیزهای دیگری نیز خوب باشند و حتی خوب ترین باشند و این آرزوی خشنودی را جایگزین لذت بردن می نماید (ر.ک: همان، ۲۵۷، ۳۱۸ و ۳۲۷).

با توجه به بررسی هایی که درمورد تعریف این مکتب انجام گرفت، معیار و ملاک نهایی را در این مکتب بر مبنای سود و فایده قرار داده اند. در تعریف نفع آورده اند: «نفع به معنای واقعی عبارت از تأمین سعادت برای دیگران است زیرا عالی ترین طریق برای خوشبختی هر کس عبارت است از «تأمین بهترین و بزرگ ترین خوشبختی ها برای افراد بیشتر» (مدرسی، ۱۳۷۶: ۲۲۳؛ ژکس، ۱۳۵۵: ۵۱).

در این باره بین بنتام و استوارت میل اختلاف آرا وجود دارد؛ دیدگاه بنتام منفعت عمومی مطلوب لغیره است؛ بدین معنا که منفعت عمومی فقط در راستای منفعت خصوصی است که هدفمند می گردد حال آنکه از نظر میل هدف اصلی منفعت هموعان بوده و به سعادت جامعه انسانی می اندیشد. البته همان گونه که در مباحث قبل بیان گردید، عده ای این ملاک را با مفهوم «لذت» متلازم دانسته و می گویند: «فایده و لذت پشت و روی یک سکه و دو تعبیر برای یک واقعیت اند؛ لذت جنبه نفسانی چیزی را تشکیل می دهد که جنبه عینی و خارجی آن را سود می نامیم» (صانعی دره بیدی، همان: ۱۰۶).

یکی از نقاط ضعف این مکتب که به عنوان مکتبی اخلاقی مطرح گردیده است عبارت است از اینکه مقصود صاحبان این اندیشه از مصلحت و سود، تنها سود و بهره دنیوی است و تکیه آن بر منافع و لذات

دنیایی است درحالی که لذات اخروی موجب بیشترین و پایدارترین خوشی برای انسان می باشد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۶۸).

در واقع اخلاق سودانگاری با درنظر گرفتن جهان بینی پدیدآورندگان آن، چیزی بیش از یک اخلاق حیوانی نیست که تمام هدف آن لذت بیشتر و رنج کمتر است؛ که از روی حساسگری به این خواسته های حیوانی دست می یابد. در این اخلاق به طور کلی خصائل عالی انسانی قابل توجیه نیست و باشکوه ترین صحنه های ایثار، فداکاری و عشق کاملاً در این دستگاہ رنگ باخته و دارای توجیه عقلانی و عاطفی نمی باشد. ابن سینا نیز در کتاب اشارات به این نکته اشاره می کند و معتقد است: فقد بان انَّ اللذات الباطنه مُستعلیة علی اللذات الحسیة (ر.ک: ابن سینا، ۱۳۷۵: ۳۳۴).

در شرح سخن ایشان آورده اند:

همانا به اذهان مردم پیش می گیرد که خوشی های برتر و پرتوان، همان خوشی های حسی است و غیر آن خوشی ها ناچیز است و همه آنها خیالاتی است که واقعیت ندارند... ممکن است گفته شود... هرگاه بر مردان بخشنده و بزرگوار لذت یک بخشش پیش آید آن را بر لذت های حیوانی رجحان می دهند؛ همان لذتی که مورد رقابت مردم واقع شده است در آن دیگران را به خود مقدم می دارند و خود به سوی انعام و بخشش می شتابند. همچنین است حال بزرگ نفس و با شرافت که گرسنگی و تشنگی را در برابر حفظ آبرو و خوار می شمارد. و پیش این گونه مردم بلندهمت ترس از مرگ و هلاکت ناگهانی به هنگام مبارزه با هم آورد و حریف ناچیز به شمار می آید. و چه بسا که شخص برای لذت ستایش، هرچند که بعد از مرگ وی باشد به تنهایی بر لشکری حمله می کند و خود را به خطر می اندازد؛ گویا که این لذت درحالی که او مرده است به وی خواهد رسید (ملکشاهی، ۱۳۷۵: ۱/ ۴۱۴).

و حتی ابن سینا برتری لذات باطنی را بر لذات حسی خاص انسان نمی پذیرد و در این باره می گوید: «و لیس ذلک فی العاقل فقط بل و فی العجم من الحيوانات» (ابن سینا، ۱۳۷۵: ۳۳۴) به طور کلی از نظر شیخ رئیس لذات باطنی و عقلی برتر از لذات ظاهری هستند؛ با توجه به این کلام محدود نمودن لذت به لذات ظاهری و حسی در مکتب سودانگاری، از دیگر مواردی است که درباره این مکتب مورد انتقاد واقع گردیده است؛ این مطلب ناظر به نظر خاص بنام درباره توجه به منفعت شخصی در پرتو منفعت عمومی است که در قالب دو نکته بیان گردیده است: یکی هنگامی است که منفعت عمومی در کار است ولی نفع شخصی نیست و دیگری هنگامی است که نفع شخصی وجود دارد ولی پای منفعت عمومی در میان نیست.

در واقع این شعار بتنام که مصلحت جامعه را وسیله‌ای برای منفعت فرد لحاظ می‌کند با اصل و اساس این مکتب مبنی بر «بیشترین سود برای بیشترین افراد» کاملاً منطبق نیست؛ و از سوی دیگر اگر عملی، منفعت جامعه را تأمین کند ولی برای فاعل آن فایده‌ای دربر نداشته باشد از نظر بتنام عملی اخلاقی نمی‌باشد؛ حال آنکه او نماینده مکتب اصالت منفعت عمومی است و این خود تعارضی در معنا است.

همچنین نظریات خاص میل نیز در مواردی قابل انتقاد است که در قالب دو نکته مطرح می‌کنیم: نخست اینکه «وی با اصالت دادن منفعت عمومی، تنها کارهایی را ارزیابی کرده است که برای جامعه سودی داشته باشد با اینکه برخی اعمال کاملاً جنبه فردی دارند و ارتباطی با دیگر افراد جامعه پیدا نمی‌کنند ولی او ملاکی برای ارزیابی این گونه افعال و اعمال ارائه نکرده است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۷۰).

دوم اینکه میل معیار مشخص و واضحی برای ترجیح منفعت عمومی بر منفعت فردی و شخصی ارائه ننموده است و این از مواضع نقص و کاستی نظریات میل محسوب می‌گردد. همچنین می‌توانیم از ایرادات سودمندگرایی، امکان استثمار ۱۰ بدانیم در جایی که قرار نیست کسی به شکل بسیار بدی ضرر و آسیب ببیند؛ توضیح آنکه چنانچه همواره توجیه منافع برای اکثریت جامعه را از طریق تحمیل فداکاری‌ها یا مجازات‌ها بر اقلیتی کوچک از جامعه، امکان‌پذیر بدانیم، در واقع نوعی استثمار و بهره‌جویی صورت گرفته است (ر.ک: هس، ۱۳۷۷: ۱۳۴).

یکی دیگر از انتقادات وارد بر مکتب اصالت نفع این است که: «آنها می‌پندارند که می‌توان نفع فرد را هماهنگ نفع جمع ساخت، به طوری که فرد نفع دیگری را مقدم بر نفع خویش بداند» (ژکس، همان: ۵۶) و حال آنکه از نظر عقلی ترغیب فرد «خودکامه» و «سودجو» به این امر دشوار است و به نظر می‌رسد که فرد ترجیح می‌دهد که جای برتری دادن منافع جامعه بر سود خویش، دست به کاری نزند و گوشه‌ای بنشیند و از سوی دیگر با «بی‌غرضی و عدم توجه به نفع شخصی و نفع جمع نمی‌توان اصالت فلسفه مبتنی بر لذت و بالتبع نفع طلبی را پذیرفت زیرا این فلسفه در درون و بطن خود، دارای تناقض است» (همان: ۵۷).

به‌طور کلی نتیجه می‌گیریم که این مکتب اخلاقی با مکتب اخلاقی اسلامی متفاوت است و نمونه‌ای از تفاوت‌های محسوس این دو مکتب عبارت است از اینکه دیدگاه سودانگاری، سود شناخته شده و معلوم را مدنظر قرار داده و به آن بها می‌دهد؛ حال آنکه در نظام اخلاقی اسلام، انسان در بعضی موارد به پیروی از دستورات و آئین‌هایی سفارش می‌شود که خویش از مصالح دنیوی و اخروی آن آگاه نیست.

آموزش و پرورش عنوان توسعه مشارکت‌های مردمی را برای این موضوع به کار برده ولی باید توجه داشت آنچه که در حال وقوع است، خصوصی‌سازی آموزش و پرورش است چرا که شاهد واگذاری اموال و فرصت‌های دولتی به بخش خصوصی هستیم.

امروز بعد از سه دهه تجربه حضور بخش خصوصی در عرصه تعلیم و تربیت نقاط قوت و نقاط ضعفی برایمان مشهود است. از نظر اقتصاد آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت یک کالای عمومی است و لیبرال‌ترین مکاتب هم کالای عمومی را به بخش خصوصی واگذار نمی‌کنند. اگر اقتصاد آموزش و پرورش را بررسی کنیم نشان نمی‌دهد که بخش خصوصی باید به عرصه تعلیم و تربیت وارد شود و ما در سه دهه گذشته لیبرال‌تر از کشورهای لیبرال آموزش و پرورش را به بخش خصوصی واگذار کردیم.

## ۶. وضعیت مدارس خصوص در کشورهای پیشرفته

به اعتقاد صاحب‌نظران، گسترش مدارس خصوصی در کشورهای پیشرفته و تعامل دولت با آنها دارای تعاریف و شرایط خاص است اما در کشور ما آنچه که در سه دهه گذشته رخ داده است، انتفاع بخش غیردولتی از این موضوع است یعنی در غرب شاهد خرید دولت از ظرفیت‌هایی هستیم که بخش خصوصی آن را فراهم کرده است که در چنین شرایطی دولت خود را منتفع می‌کند نه بخش خصوصی.

در تحقیقی که با عنوان مدل مناسب برای خصوصی‌سازی آموزش و پرورش در ایران و توسط سازمان خصوصی‌سازی منتشر شده آمده است: کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی به استثنای سه کشور بلژیک، هلند و شیلی بیش از ۸۰ درصد دانش‌آموزان در مدارس دولتی ثبت نام کرده‌اند. در کشورهای غیر عضو مانند لبنان، بنگلادش، فیجی و گواتمالا سهم بخش خصوصی بیش از ۵۰ درصد و در کشورهای کامرون، اندونزی، مالی، پاکستان، گامبیا و توگو سهم بخش خصوصی بین ۳۰ تا ۴۰ درصد است. مطالعه ۲۹ کشور شرکت‌کننده در برنامه بین‌المللی ارزیابی دانش‌آموزان نشان داد که اداره ۸۳ درصد مدارس این کشورها توسط بخش دولتی و ۱۷ درصد تحت مدیریت بخش خصوصی است اما سهم بخش دولتی در اداره مدارس بین کشورها متفاوت بود. روسیه با ۱۰۰ درصد، لتونی و ایسلند با ۹۹ درصد در رأس رده‌بندی و بلژیک با ۲۵ درصد و هلند با ۲۶ درصد در انتهای آن قرار داشتند.

میانگین تأمین منابع مالی توسط دولت در بین کشورهای مورد مطالعه ۸۷ درصد بود. این رقم برای کشورهای لوکزامبورگ، سوئد، فنلاند، نروژ و ایرلند بیش از ۹۹ درصد و در بالاترین سطح و برای

کشورهای مکزیک و کره به ترتیب با ۳۷ درصد و ۴۹ درصد در پایین‌ترین سطح قرار داشت (ر.ک: خبرگزاری تسنیم، مهرماه ۱۳۹۵).

#### ۱-۶. وضعیت مدارس خصوصی در سوئد

شهرداری‌ها موظف به تأمین هزینه‌های آموزش در مدارس خصوصی هستند. در سوئد مدارس خصوصی می‌توانند در کنار مدارس دولتی به کار آموزش بپردازند. مدارس خصوصی در سایر کشورها هزینه خود را از راه کسب شهریه از والدین کودکان تأمین می‌کنند. اما در سوئد شهرداری‌ها موظف هستند هزینه‌هایی را که برای آموزش هر کودک در مدارس دولتی در نظر گرفته‌اند به مدرسه خصوصی که دانش‌آموز در آن ثبت نام کرده است، بپردازند. روش و برنامه آموزشی مدارس خصوصی باید مطابق با برنامه‌هایی باشد که برای مدارس دولتی تدوین شده است. این مدارس حق تبعیض و برگزاری امتحانات ورودی را نداشته و نمی‌توانند هزینه بیشتری از دانش‌آموزان دریافت کنند.

البته این مدارس قادر به دریافت کمک‌های بخش خصوصی هستند البته یک نظر سنجی عمومی در سال ۲۰۱۱ نشان داد که بیشتر سوئدی‌ها خواهان تعطیلی این مدارس هستند. یکی از وزرای سابق آموزش و پرورش سوئد معتقد است که تحصیلات از چنان اهمیتی برخوردار است که شما نمی‌توانید آن را به یک نهاد واحد واگذار کنید و ما نتیجه چنین کاری را در بعضی سیستم‌های آموزشی انحصاری دیده‌ایم (ر.ک: همان).

#### ۲-۶. وضعیت مدارس خصوصی در ژاپن

هزینه در آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری است. آموزش و پرورش نزد ملت و دولت ژاپن مهم است و برای این موضوع سرمایه‌گذاری بسیاری از طرف دولت و مردم انجام می‌شود و هر هزینه و پولی را برای پرورش دانش‌آموزان به عنوان آینده‌سازان کشور خرج می‌کنند و این هزینه‌ها را سرمایه‌گذاری تلقی می‌کنند. تعلیم و تربیت ژاپن به عهده وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن است. این وزارت آموزش کودکان را از دوره ابتدایی آغاز می‌کند و تا پایان دانشگاه ادامه می‌دهد. هزینه آموزش و پرورش همچون اداره آن بین دولت مرکزی، استانداری و شهرداری تقسیم می‌شود.

قانون اساسی آموزش، برابری فرصت‌های آموزشی، (۹سال) آموزش پایه رایگان، آموزش مختلط و امثال آن را فراهم می‌کند. به هر ژاپنی حقی برابر داده می‌شود که هماهنگ با استعداد و توانایی خود و بدون توجه به نژاد، طبقه، جنسیت، جایگاه اجتماعی، درآمد اقتصادی، و منشأ خانوادگی آموزش ببیند. برای آنانی

که توانایی دارند اما به دلیل مشکلات مالی قادر به ادامه تحصیل نیستند، دولت و مؤسسات دولتی محلی باید روشی پیدا کنند تا به آنان اجازه ادامه تحصیل دهند (ر.ک: خبرگزاری تسنیم، مهرماه ۱۳۹۵).

### ۳-۶. وضعیت مدارس خصوصی در فرانسه

مدارس غیردولتی با نظارت و سرپرستی دولت اداره می شود. مدارس خصوصی از سال ۱۸۵۰ در فرانسه موجودیت یافت در حال حاضر اکثریت مؤسسات آموزش غیرانتفاعی کشور فرانسه فرقه‌ای و کاتولیک بوده و به انعقاد قراردادهای آموزشی با دولت مبادرت می کنند. تأسیس مدارس غیرانتفاعی به منظور کمک به کاهش هزینه‌های دولت بوده و تحت نظارت و سرپرستی دولت فعالیت که حدود ۱۷ درصد از دانش‌آموزان در مدارس خصوصی تحصیل می کنند (ر.ک: همان).

### ۴-۶. وضعیت مدارس خصوصی در انگلستان

به طور کلی می توان گفت که از نظام آموزشی انگلستان و ولز تحت عنوان نظام آموزشی ملی و در عین حال از لحاظ اداری، تحت عنوان نظام محلی یاد می شود یعنی گذراندن دوره‌های آموزشی تا سن ۱۶ سالگی اجباری است و اکثر دانش‌آموزان انگلیسی رده‌های سنی ۱۷ سال و بالاتر به تحصیل در مراکز آموزش تکمیلی یا فعالیت در بازار کار مبادرت می کنند.

در مدارس دولتی دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه آماده نمی‌شوند به جز بخش کوچکی از دانش‌آموزان که از استعداد بالایی برخوردار هستند اکثر دانش‌آموزان که به دنبال تحصیلات آکادمیک هستند یا به مدارس خصوصی می‌روند یا مجبورند معلم خصوصی استخدام کنند.

البته مدارس زیادی که خصوصی هستند نیز در این کشور به چشم می‌خورند مانند مدارس که کاتولیک‌ها برای خود راه اندازی کرده‌اند شهریه این مدارس بر اساس کیفیت خدمات تعیین می‌شود. اگرچه یکی از توسعه مدارس غیردولتی به عنوان یکی از سیاست‌ها برای توسعه مشارکت مردم در آموزش و پرورش تلقی می‌شود اما هم‌اکنون در مدارس غیردولتی و حتی هیئت امنایی به جای مشارکت همه جانبه فکری و معنوی و مالی صرفاً بر مشارکت مالی تأکید می‌شود (ر.ک: همان).

### ۷. خصوصی سازی مدارس دولتی و مروری بر قانون اساسی

حق به آموزش جزء حقوق اساسی هر ملت و تکلیفی بر عهده ی دولت است. حق بر آموزش شامل فراگیری معلومات از طریق آموزش و پرورش ابتدایی و عمومی و تخصص‌های عملی از طریق آموزش کاربردی، نظیر آموزش فنی و حرفه‌ای می‌باشد.

آموزش عمومی از جمله امور حاکمیتی است. یعنی از اموری است که تحقق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور است و منافع آن بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه گردیده و بهره مندی از این نوع خدمات موجب محدودیت برای استفاده دیگران نمی شود. امور حاکمیتی از وظایفی است که مستلزم استفاده از اقتدار عمومی است و اساساً پاسخگوی نیازهایی هستند که نهادهای دولتی برای آن ایجاد گردیده اند. آنجا که صحبت از اقتدار حاکمیت و منافع عمومی به میان می آید، همانا قلمرو اختصاصی دولت است و خود باید عهده دار تکالیفی شود که این امور را محقق می سازد. امور حاکمیتی از جمله اموری هستند که دولت با هدف خدمت به مردم و در جهت نیل به هدفهای اساسی نظام عهده دار آنهاست و نه به انگیزه کسب سود. دولت در اداره امور حاکمیتی نه تنها به کسب سود نمی اندیشد بلکه هزینه های گزافی را برای اداره آن پرداخت می کند.

«حاکمیتی» بودن آموزش و پرورش امری روشن به نظر می رسد و «اصل ۳۰ قانون اساسی»، «بند دوم از سیاست های ابلاغی مقام رهبری درباره تحول آموزش و پرورش» و «بند دوم از راهبردهای کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری» صراحتاً از نظام آموزش و پرورش به عنوان «امری حاکمیتی» یاد می کنند.

از طرف دیگر هدف تدوین کنندگان قانون اساسی، این بوده است که بی-سوادی از کشور رخت بر بسته و به موازات آن سطح آگاهی های عموم مردم نیز به طور قابل ملاحظه-ای بالا برود. در عین حال در این سند توجه خاصی به اصل آموزش و پرورش معطوف شده و بر تأمین و همگانی بودن و رایگان بودن آن نه در سطح ابتدایی که تا سطح متوسطه تأکید شده است. لذا یکی از وظایف اساسی دولت با توجه به بند سه اصل سوم قانون اساسی این قرار گرفته که آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان را برای همه در تمام سطوح مهیا سازد و آموزش عالی را تسهیل و تعمیم نماید (خبرنامه دانشجویان ایران: ۱۳۹۳).

به کارگیری عبارت «برای همه» در بند سه اصل سوم: «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹: ذیل اصل سوم قانون اساسی) و عبارت «برای همه-ی ملت» در اصل سی ام: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹: ذیل اصل سی ام قانون اساسی)، ذهن را به این سو متمایل می-کند که قانون اساسی به حق آموزش و

پرورش برای همه‌ی اتباع کشور معتقد است و تبعیض در میان اتباع کشور را روا نمی‌دارد. هر چند افراد نیز هر کدام بر حسب استعدادها و شایستگی‌های خود به میزان‌های متفاوتی از این امکان بهره‌مند می‌شوند.

لذا بر مبنای این استدلال برخی حقوق‌دانان بیان داشته‌اند که:

«هیچ محدودیت قانونی برای آموزش و پرورش از نظر سن، جنس و مرام و مسلک و یا عقیده‌ی دینی و مذهبی وجود ندارد» (هاشمی، ۱۳۸۲: ۲۸۰).

اصل سی‌ام قانون اساسی همانطور که اشاره شد به صراحت وظایف دولت را پیرامون آموزش و پرورش رایگن برای تمام اقشار کشور اعلام داشته است.

بند ۱ از اصل چهل و سوم نیز، آموزش و پرورش را جزء نیازهای اساسی بشر دانسته و یکی از نتایج پایداری اقتصاد در کشور را تأمین مناسب آموزش و پرورش برای همگان، معرفی کرده است (ر.ک: توحیدی، ۱۳۸۵: ۱۵۶). طبق این بند از اصل یاد شده:

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود: ۱ - تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه و ...» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹: ذیل اصل چهل و سوم قانون اساسی). همچنین اشاره‌ی کلی قانون اساسی به آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی در مواد مختلف نیز قطعاً حق بر آموزش و پرورش را در بر می‌گیرد.

از ملاحظه‌ی بندها و موادی که در قانون اساسی نسبت به آموزش و پرورش بیان شده است نکاتی چند قابل استخراج است و دولت اسلامی که موظف به اقامه عدل است، باید نسبت به آنها توجه نماید.

۱. در ضمن اینکه وسایل و محیط آموزشی رایگان باید توسط دولت مهیا شود، شرایط باید به گونه‌ای باشد که هیچ کس از هیچ قشری به دلیل فقر و ناداری از نعمت دانش‌اندوزی بی‌بهره نماند. دولت باید برای حمایت از اقشار ضعیفی که توان پرداخت هزینه‌های مدارس خصوصی را ندارند امکان تحصیل رایگان را فراهم آورد (ر.ک: قاضی، ۱۳۸۵: ۱۵۰). از سوی دیگر این فضاها را باید دارای شرایط صحیح ایمنی، بهداشتی و استانداردهای پذیرفته شده باشند (ر.ک: طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۰: ۹۱).

۲. مربیان و معلمانی که با این مراکز مرتبطند باید از حد‌اعلای صلاحیت‌های علمی، اخلاقی و دیگر استانداردها برخوردار باشند.

۳. محتوای آموزشی باید با اهداف عالی‌ی اسلامی و قانون اساسی کاملاً منطبق باشد.



۴. همچنین دولت موظف است که فضای آموزشی لازم و سایر امکانات، نظیر استاد، آزمایشگاه، منابع تحقیقات و ... را برای سطوح آموزش عالی فراهم نماید تا هر کس که مستعد برای حضور در مقاطع بالاتر و تحصیل مراتب علمی ویژه است بتواند به این مرتبه دست یابد (ر.ک: شعبانی، ۱۳۸۶: ۸۶) و دولت نیز از دانش این فرد در راستای خودکفایی کشور استفاده نماید.

با بررسی اصول قانون اساسی و سایر قوانین کلان جمهوری اسلامی از جمله سند چشم انداز، آموزش و پرورش جزء امور حاکمیتی است. و اتفاقاً جزء اساسی ترین امور در جهت اقتدار هر کشور است. چرا که آموزش تمامی آینده سازان کشور را بر عهده دارد. یقیناً موسسات خصوصی با توجه به انگیزه‌های سود آوری که دارند، هرگز نمی توانند امر مهم و حساس آموزش را آنچنان که مدنظر قانون اساسی است انجام دهند. از همین رو خصوصی سازی مدارس خلاف سیاست های کلی نظام و قانون اساسی است. انگیزه سودآوری سرمایه گذاران در بخش خصوصی عملاً باعث می شود که بیش از آنکه کیفیت مورد توجه قرار گیرد سودآوری ملاک باشد و این منطبق سرمایه گذاری در بخش خصوصی است. وقتی مدارس به بخش خصوصی واگذار می شود، آموزش و پرورش، مبلغی را به عنوان اعتبار، به این مدارس می دهد و هیچ بعید نیست در سال های بعد گفته شود، این مدارس غیر دولتی است و ما هیچ اعتباری به آن ها نمی دهیم و خودشان باید آن را اداره کنند. بدیهی است که وقتی دولت این هزینه را نپردازد این مردم هستند که باید این هزینه ها را متحمل شوند. بنابراین فشار بی حد و حصری روی اقشار کم درآمد مردم خواهد آمد. که در این صورت قطعاً خانواده های فقیر و محروم از حق تحصیل محروم خواهند شد (ر.ک: خبرنامه دانشجویان ایران، ۱۳۹۳).

#### ۸. خصوصی سازی مدارس اصالت تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت، عبارت است از فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یاشکوفای ساختن شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه‌ای سنجیده شده. (ر.ک: گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱: ۱ / ۳۴۱ - ۳۶۶).

با توجه به این که در مورد تعریف تعلیم و تربیت گذشته از تعریف یاد شده، نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است، جهت آشنایی و بهره برداری بیشتر، تعریف آن را از زبان چند صاحب‌نظر این علم (یا فن) بیان می‌داریم. بدیهی است که این صاحب‌نظران با توجه به دیدگاه خاص خود به تعریف موضوع پرداخته‌اند:

۱- افلاطون (۴۲۷ - ۳۴۶ ق.م) گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از کشف استعدادهای طبیعی و شکوفا ساختن آنها (ر.ک: گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱: ۱۶۷/۱ - ۱۷۲).

۲- ارسطو (۳۸۴ - ۳۲۲ ق.م) گوید: تعلیم و تربیت مجموعه‌ای از اعمال است که بهوسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی و مدنی در افراد صورت می‌گیرد (ر.ک: همان: ۱۷۳ - ۱۷۸).

۳- فارابی (۲۶۰ - ۳۳۹ ق.م) گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت (ر.ک: همان: ۲۶۱ - ۲۷۲).

۴- بوعلی سینا (۳۷۳ یا ۳۶۳ - ۴۲۸ ه. ق) گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از برنامه ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی، برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی (ر.ک: همان: ۲۸۴).

۵- از آرای تربیتی غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ ه. ق) استفاده می‌شود که تعلیم و تربیت در دیدگاه ایشان عبارت است از نوعی تدبیر نفس و باطن از طریق اعتدال بخشی تدریجی به قوا و تمایلات به وسیله معرفت، ریاضت و استمرار، برای نیل به انس و قرب الهی (ر.ک: همان: ۳۰۵).

۶- در دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری، تعلیم، پرورش و استقلال نیروی فکری دادن و زنده کردن قوه ابتکار متعلم است و تربیت، پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است؛ از این رو، کاربرد واژه تربیت فقط در مورد جانداران صحیح است؛ زیرا غیر جانداران را نمی‌توان به مفهوم واقعی پرورش داد آن طور که یک گیاه یا حیوان و یا یک انسان را پرورش می‌دهند. از همین‌جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، طبیعت و سرشت شیء باشد.

اگر بنا باشد یک شیء شکوفا شود باید کوشید تا همان استعدادهایی که در آن هست بروز کند. بنابراین، تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعدادهای او است و ایناستعدادهای در انسان عبارتند از: استعداد عقلی (علمی و حقیقت جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بعد دینی (حسن تقدیس و پرستش)، بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۳: ۲۰ - ۲۲ و ۵۷ - ۶۹).

چنان که می‌دانیم کلمه تعلیم به معنی آموزش، و کلمه تربیت به معنی پرورش است و در گذشته به جای «آموزش و پرورش»، «تعلیم و تربیت» به کار می‌رفت. در مورد این که آیا این دو واژه یک مفهوم و

معنی را می‌رسانند یا آن که هر کدام برعمل خاصی اطلاق می‌شوند و از یکدیگر، جدا هستند، اختلاف است. معمولاً در نظر عامه مردم این دو واژه از هم جدا هستند و هر یک بر عمل خاصی اطلاق می‌شوند: تعلیم یا آموزش به یاد دادن موضوع‌ها و مهارت‌های خاص به دانش‌آموزان و دانشجویان نگفته می‌شود، مانند آموزش ریاضی، فیزیک، شیمی، عربی؛ و تربیت یا پرورش، به آموزش‌های دینی و اخلاقی و انسان‌بارآوردن دانش‌آموزان و دانشجویان؛ ولی در روانشناسی اعتقاد بر این است که هر عملی که از انسان سر می‌زند به کل وجودش مربوط است و هر گونه تفکیک و جدایی در رفتار انسان، یک امر ذهنی یا تصویری است که با وجود واقعی انسان همخوانی ندارد. هیچ یک از اعمال و رفتار و حرکات انسان را نمی‌توان یافت که با کل وجود او ارتباط نداشته باشد. در قرآن کریم نیز همیشه کل وجود انسان، مخاطب قرار گرفته است و خداوند او را به صورت یک کل یا واحد، مسؤول قرار داده است، اگر چه برای تعبیر از این وحدت، کلمات گوناگون از قبیل: بنی آدم، انسان، نفس، قلب و... به کار برده است.

مربی یک کار بیشتر انجام نمی‌دهد و آن کمک به پیدایش «تغییر رفتار» در دانش‌آموز (یا مربی) است؛ اگرچه این عمل او را ممکن است با دو کلمه تعلیم (آموزش) و تربیت (پرورش) تعبیر کرد (ر.ک: علی اکبر شعاری نژاد، ۱۳۶۸: ۲۴۱-۲۴۳؛ همان، ۱۳۹۴: ۹۱).

از سوی دیگر با نگرش دقیق در تعریف تربیت، می‌توان دریافت که تربیت هم مستلزم نوعی تعلیم است و مربی باید مربی را با حقایقی آشنا کند تا مربی با عمل به آن‌ها به رشد و پرورش ابعاد مختلف روحی و معنوی خود بپردازد. بدین جهت می‌توان گفت که تعلیم، شرط لازم تربیت است.

پیرامون خصوصی سازی مدارس و ارتباط آن با اصالت تعلیم و تربیت باید گفت که واگذاری کلاس‌های درس برای جبران کمبود نیروی انسانی در آموزش و پرورش در حالی اتفاق می‌افتد که به اذعان کارشناسان آموزش و پرورش، هنوز عدالت آموزشی در مدارس روستایی اجرا نمی‌شود و کمبودهای متعددی بر این مدارس سایه افکنده است. حالا با ورود برخی نیروهای انسانی ارزان، غیر متخصص و غیر ماهر به مدارس روستایی، بیم این می‌رود که فرآیند تعلیم و تربیت در آن‌ها با چالش جدی مواجه شود؛ چالشی که دود آن در آینده ای نزدیک به چشم همه خواهد رفت. به کارگیری افرادی که به صرف داشتن مدرک تحصیلی در کلاس‌های درس مشغول تدریس می‌شوند، بدون این که از قبل با الفبای تدریس آشنا شده باشند، آن هم در کلاس‌های روستایی که بیشترشان به دلیل دوری از مرکز دچار محرومیت‌ها و بی‌عدالتی‌های زیادی هستند، یک ظلم مضاعف است. به جرأت می‌توان ادعا کرد که با وضعیت موجود،

سرانجام طرح غیرکارشناسی خصوصی سازی مدارس روستایی و دولتی، چیزی جز محروم کردن روستاییان و مستضعفین از حق اساسی آموزش و تحصیل رایگان نخواهد بود (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۹۵).

مسئولان آموزش و پرورش تلاش کردند که لفظ «خصوصی سازی مدارس» را برای نمایندگان مجلس و افکار عمومی توجیه و تفسیر کنند و نشان بدهند که منظورشان از این طرح، خرید خدمات آموزشی است و بنا ندارند که مدارس را به متقاضیان خصوصی بفروشند و این در حالی بود که اسم این طرح بیانگر حکایت دیگری است، عنوان شائبه انگیزی که حتی در برنامه ششم توسعه نیز آمده است:

وزارت آموزش و پرورش مجاز است در جهت ارتقاء کیفیت، عدالت آموزشی و بهره وری نسبت به خرید خدمات از بخش خصوصی و تعاون اقدام نماید. ارائه خدمات آموزشی در این گونه مدارس با استفاده از نیروی انسانی، تجهیزات و امکانات بخش خصوصی و تعاونی و یا با مشارکت در استفاده از امکانات و تجهیزات بخش دولتی و نیروی انسانی خصوصی و تعاونی بر اساس ضوابطی که به تصویب هیأت وزیران می رسد، صورت می گیرد، آموزش عمومی دولتی در طول سال های برنامه ششم توسعه رایگان می باشد (لایحه برنامه ششم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور، ۱۳۹۵).

در شرایط اضطراری که آموزش و پرورش برای پرداخت حقوق کارکنان پولی ندارد، بسیار محتمل است که با استفاده از گریزگاه های اداری و قانونی، پول حاصل از فروش مدرسه ها صرف هزینه های جاری شود اما اقدامات فانی مخالفان زیادی هم دارد که معتقدند این طرح به علت تناقض با اصل سی ام قانون اساسی از یک سو و تشدید محرومیت مالی خانواده ها به علت تصمیمات غلط اقتصادی در هشت سال دولت های نهم و دهم، شکست سنگینی خواهد خورد و نتیجه ای جز بدبینی مردم را به دولت نخواهد داشت، مردمی که نزدیک به ۳۹ میلیون نفر از آنها مخاطبان مستقیم آموزش و پرورش هستند، ۱۳ میلیون دانش آموز به علاوه پدر و مادرهایشان.

مهم ترین انتقاد آقای روحانی در سخنرانی های انتخاباتی شان، طبقاتی شدن آموزش و پرورش و وجود انواع مدرسه هایی بود که تفاوت آنها فقط در مقدار پولی است که از مردم می گیرند. اما در یک سال گذشته شکاف طبقاتی عمیق تر شده و شهریه مدرسه های غیردولتی حدود ۳۰ درصد افزایش یافته و مدرسه های دولتی هم به طور علنی بر اساس میزان پرداخت پول طبقه بندی شده اند و پیدا کردن مدرسه ارزان دولتی که کیفیت متوسط داشته باشد به طور تقریبی غیرممکن شده است. پول گرفتن از مردم را نمی شود خصوصی سازی نامید. در شرایط اضطراری که آموزش و پرورش برای پرداخت حقوق کارکنان

پولی ندارد، بسیار محتمل است که با استفاده از گریزگاه های اداری و قانونی، پول حاصل از فروش مدرسه ها صرف هزینه های جاری شود.

فرض کنیم مدرسه ها دارای موقعیت تجاری را هم بفروشد و دوسه سالی با پول آن کسری بودجه را جبران کنند، بعد از آن چه خواهند کرد؟ زیان و بدنامی این نوع خصوصی سازی برای دولت زیاد است. اگر رییس جمهوری در جریان جزییات تلاش های وزارتخانه برای خلق درآمد قرار بگیرد این روند را متوقف می کند. در واقع از این راه ها پولی در نمی آید اما مردم را به شدت نسبت به دولت بدبین می کند (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵).

## ۹. آسیب های خطرناک ناشی از خصوصی سازی مدارس

نمایندگان مجلس در بررسی قانون بودجه سال ۹۴ واگذاری مدارس دولتی به بخش خصوصی را تا پایان برنامه پنجم توسعه ممنوع اعلام کردند، اما دوباره دولت در قالب برنامه ششم توسعه پاورچین به سمت خصوصی سازی مدارس گام هایی را برداشته است.

این درحالی است که موضوعات با اهمیت دیگری مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که بارها مورد تاکید قرار گرفته در برنامه ششم توسعه گنجانده نشده و تنها بند مرتبط با حوزه آموزش و پرورش که در این برنامه ارائه شده است بر موضوع خرید خدمات آموزشی از بخش خصوصی تأکید دارد. هرچند براساس قانون اساسی مشارکت مردم در آموزش و پرورش مجاز اعلام شده، اما سپردن کامل تعلیم و تربیت به بخش خصوصی از نظر کارشناسان و صاحب نظران این حوزه با قانون مغایرت دارد، چراکه خصوصی سازی آموزش و پرورش نمی تواند تضمین کننده فرآیند با کیفیت نظام تعلیم و تربیت و رعایت عدالت اجتماعی باشد. این موضوعی است که وزرای اسبق آموزش و پرورش و تعدادی از کارشناسان این حوزه در گفت و گو با «وطن امروز» بر آن تاکید داشته و آسیب های این شیوه اداره مدارس را تشریح کردند (ر.ک: خبرنامه وطن امروز، ۱۳۹۴) که در ذیل به آن ها اشاره خواهیم کرد.

## ۹-۱. عدالت آموزشی بازیچه خصوصی سازی

خصوصی سازی مدارس دولتی بر خلاف دیدگاه نظام و تکلیفی است که قانون معین کرده است. عدالت آموزشی اولین موضوعی است که با خصوصی سازی دستخوش تغییر خواهد شد، چرا که با باز شدن پای مدارس پولی در دسترسی برخی دانش آموزان به فضای تربیتی محدودیت هایی ایجاد می شود. از آنجا که انگیزه بخش خصوصی برای ورود به مدارس، اقتصادی است، تقویت مشارکت فرهنگی انتظار

نابجایی به حساب می‌آید که می‌توان آن را به عنوان دومین آسیب و‌اگذاری مدارس به بخش خصوصی در نظر گرفت (ر.ک: خبرنامه وطن امروز، ۱۳۹۴).

#### ۹-۲. تحقیر استانداردهای تعلیم و تربیت

ورود بخش خصوصی جایگاه آموزش و پرورش را تضعیف خواهد کرد و از آنجا که در این مقوله فضای غالب اقتصادی است استانداردها درباره افرادی که مسئولیت تعلیم و تربیت دانش آموزان را برعهده خواهند گرفت کوچک تر خواهد شد و پرورش فرزندان به دست اشخاصی سپرده می‌شود که با این فضا غریبه هستند (ر.ک: همان).

#### ۹-۳. واگذاری اموال دولتی به دوستان سیاسی

البته این تمام ماجرا نیست و شاید یکی از بحث برانگیزترین موضوعات در واگذاری مدارس نحوه نظارت بر این اقدام و تقویت شائبه واگذاری امکانات دولتی به برخی افراد خاص باشد. خصوصی سازی آموزش و پرورش بر شائبه واگذاری امکانات دولتی به دوستان و رفقای سیاسی دامن می‌زند. این اقدام نه تنها با اصل ۳۰ قانون اساسی در تضاد است بلکه باعث کاهش انگیزه معلمان، بدبینی طبقات محروم به دولت و رعایت نشدن استانداردهای تعلیم و تربیت در کلاس‌های درس خواهد شد (ر.ک: همان).

#### ۹-۴. خصوصی سازی آموزش و واگذاری پرورش

یکی از مهم ترین اشکالاتی که درباره طرح خصوصی سازی مدارس وجود دارد مغایرت این موضوع با اصل ۳۰ قانون اساسی و رایگان بودن تحصیلات است. علاوه بر این، آموزش امری حاکمیتی به حساب می‌آید که تصمیم‌گیری درباره واگذاری آن در حیطه اختیارات وزارت آموزش و پرورش نیست (ر.ک: همان).

با استناد به اصل ۳۰ قانون اساسی دولت باید زمینه تحصیل رایگان افراد را فراهم آورد و این موضوع با اصل ۴۴ به هیچ وجه قابل جمع نیست. به گفته افتخاری لایحه‌ای از سوی دولت تقدیم مجلس شده که بر تاسیس مدارس خصوصی و آموزش و پرورش غیردولتی دلالت دارد و می‌تواند مشکلاتی را برای نظام تعلیم و تربیت کشور به همراه داشته باشد. در لایحه یاد شده شرایطی مورد توجه قرار گرفته که هم آموزش و هم پرورش را قابل واگذاری تعیین کرده‌اند در حالی که پرورش به هیچ وجه قابل واگذاری نیست. در پیشنهاد مطرح شده، ۲ عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی حذف شده است و تمام نمایندگان از

آموزش و پرورش و البته وزارت علوم با همراهی نمایندگان موسسان بخش خصوصی در نظر گرفته شده‌اند که جای سوال دارد (ر.ک: همان).

#### ۹-۵. نفوذ بیگانگان در مدارس

مشکلات حقوقی و در نظر گرفتن شرایطی ناقص برای موسسان مدارس غیردولتی از دیگر انتقادات به حساب می‌آید شرایطی برای متقاضیان تاسیس مدارس در نظر گرفته شده که حتی افراد بدون سابقه پرورشی و تربیتی هم می‌توانند برای این کار اقدام کنند. علاوه بر این ماده ۸ این لایحه با تبصره‌ای خطرناک همراه است که می‌تواند راه نفوذ بیگانگان به کلاس‌های درس را هموار کند، چرا که به شرکت‌های چند ملیتی اجازه می‌دهد با معرفی نماینده برای فعالیت آموزشی وارد عمل شوند (ر.ک: خبرنامه وطن امروز، ۱۳۹۴).

#### ۹-۶. زیرسؤال رفتن دانشگاه فرهنگیان

از دیگر مشکلاتی که در جریان واگذاری مدارس دولتی و خصوصی سازی آموزش و پرورش مورد توجه کارشناسان قرار دارد نحوه پذیرش و نظارت بر نیروهایی است که کار تدریس و آموزش دانش‌آموزان را عهده‌دار خواهند شد. آموزش و پرورش با خصوصی سازی جایگاه دانشگاه فرهنگیان و آموزش دبیران را هم زیرسؤال خواهد برد. بر این اساس اختیار اولیا از بین رفته و ادبیات مدیران مدارس در پذیرش دانش‌آموز تغییر می‌کند. به باور حشمتیان مهم‌ترین آسیب خصوصی سازی مدارس تغییر محتوای آموزشی است، چرا که با به خطر افتادن توفیقات آموزشی، موسسان مدارس به سمت دخالت در تولید محتوا متمایل می‌شوند (ر.ک: همان).

#### ۱۰. اهداف مدارس خصوصی

افزایش کیفیت آموزش، ارضای نیازهای متنوع مردم و فراگیران، ایجاد و تنوع در محتوا و خدمات آموزشی، تنوع در روش‌های عرضه مطالب، کاهش فشارهای ناشی از انتظار مردم از دولت و استحکام بیشتر نظام آموزش و پرورش ضرورت توجه جدی دولت به حمایت از مدارس خصوصی و تشکیل سازمانی مستقل برای آنها را ایجاب می‌کند. خوشبختانه مدارس خصوصی از اقبال عمومی نیز برخوردار است زیرا که والدین این مرز و بوم در هر شرایطی در زمینه آموزش فرزندان خود ایثار می‌کنند و در صورتی که شاهد کارایی آموزش و پیشرفت یادگیری فرزندان خود باشند حاضرند هزینه آن را به هر قیمت پرداخت کنند (ر.ک: پژوهشگاه آموزش و پرورش، ۱۳۹۵).

## نتیجه گیری

تاکنون هرگاه صحبت از مشارکت مردم به میان آمده، چه در ذهن مردم و چه در ذهن مسئولان فقط مشارکت مادی با عنوان کمک به مدرسه اعم از نقدی یا غیرنقدی شکل گرفته است که این خود یک مانع بسیار مهم و جدی در جهت جلب و جذب مشارکت است.

به خصوص اگر این مشارکت به بزرگترین و پروسعت ترین نهاد اجتماعی یعنی مدرسه مربوط شود و چه بسا اینکه بخواهیم این مشارکت را در جهت توسعه مدارس خصوصی (غیردولتی) مربوط سازیم. در واقع با رشد فزاینده‌ای که جوامع از لحاظ جمعیتی و به دنبال آن هزینه‌های مربوطه دارند بدون مشارکت همه جانبه مردم نمی‌توان به یک آموزش و پرورش پویا دست یافت و با عنایت به فزونی تغییرات در جهان امروز و لزوم هماهنگی با دنیا و با توجه به گسترش ارتباطات، بدون چنین آموزش و پرورشی همراهی و همگامی با تغییراتی که در جهان رخ می‌دهد بسیار مشکل است، لذا آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی بسیار معتبر در ایفای رسالت خود باید با به‌کارگیری منابع مالی و مادی و انسانی قابل توجهی به این مهم دست یابد که تامین این منابع به سطح اقتصادی و میزان اهمیتی که جامعه برای آموزش و پرورش قائل است مربوط می‌شود.

در این خصوص توجه بیش از پیش به مدارس غیردولتی از جانب دولت و تدوین قوانینی که حمایت از مشتاقان ورود به این عرصه را در نظر دارند و نیز جلب و تقویت افکار عمومی برای حضور همه‌جانبه در این مشارکت جدی به نظر می‌رسد و از طرفی نه تنها گسترش کمی آموزش بلکه بالندگی و اعتلای کیفیت آن نیز نیازمند منابع مالی و انسانی است که این فرایند زمانی مؤثر واقع می‌شود که موجبات احساس مسئولیت و توجه بیشتر خانواده‌ها، نیروهای محلی و بازار کار و مشارکت مردم با حمایت دولت تطبیق داشته باشد و مشارکت مردم زمانی مفهوم پیدا می‌کند که آنان داوطلبانه و آگاهانه خود را در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات آموزشی شریک بدانند و فعالانه در آن شرکت کنند و میان نیاز خود، جامعه و مسئولان و دست‌اندرکاران تضاد و تباینی نبینند.

اینجاست که باید هدف از مشارکت را روشن ساخت و مدارس غیردولتی را آنطور که باید و شاید به جامعه شناساند و در جهت تحکیم آن با عزمی جدی و ملی و با پشتوانه تشکل و سازمانی قوی اقدام کرد و باید بر این عقیده استوار بود که غیردولتی شدن مدارس نه تنها لطمه‌ای به آموزش و پرورش نمی‌زند بلکه به بهبود کیفیت آموزشی کمک می‌کند زیرا اینگونه مدارس از یک طرف از مدیریت و کنترل و نظارت مردمی



برخوردارند و از سویی دیگر از برنامه‌ریزی‌هایی که دولت به‌صورت کلان و جامع براساس منابع و مصالح عمومی آموزش و پرورش انجام می‌دهد سود می‌برند و تا حدی تابع دستورالعمل‌هایی هستند که نظام کلان آموزش و پرورش آن را توصیه کرده است.

حرکت‌های خیرخواهانه بعضی افراد یا سازمان‌ها به‌صورت اهدا یا وقف زمین و ساختمان و دیگر مشارکت‌های فکری وجود اینگونه مدارس را بیش از پیش تقویت می‌کند و نظر به اینکه توسعه ملی در کشورهای در حال توسعه بیش از هر چیز به مشارکت فعال و مؤثر افراد جامعه وابسته است و فقدان این مشارکت زمینه تضاد میان عملکرد دو بخش عمومی و خصوصی را در حرکت‌های اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌آورد، در نتیجه بخش اعظم منابع اعم از مادی و انسانی و فکری این کشورها صرف مقابله با عوارض نامطلوب این تضاد می‌شود از این‌رو نگرش و دیدگاه برنامه‌ریزیان و دولتمردان باید معطوف به ابزارهایی باشد که با استفاده مؤثر از آنها نقش مؤثر مردم را در فرایند توسعه ملی افزایش دهد و همین جاست که تأسیس سازمانی مستقل تحت عنوان سازمان مدارس غیردولتی لازم و ضروری به نظر می‌رسد تا ضمن اینکه قوانین و بودجه مستقل و درخور نام خود را داشته باشد از پشتوانه عظیم اعتماد مردم نیز برخوردار شود و مؤسسان و فعالان در اینگونه مدارس نیز ضمن برخوردار از حمایت‌های همه‌جانبه دولت و مجلس و با تکیه بر اندیشه صاحب‌نظران در امر تعلیم و تربیت و اعتبار افکار عمومی اشتیاق بیشتری برای ورود به عرصه فرهنگی را داشته باشند.

سازمانی که؛

- تحقق اهداف عالی و کلان نظام تعلیم و تربیت را تسهیل کند.
- موجبات رشد و تعالی فرهنگ جامعه را فراهم آورد.
- نسبت به شناخت برنامه‌های کهنه آموزشی و جایگزینی ضرورت‌های زمان منطبق با دنیای روز اقدام کند.
- سرمایه‌های هنگفت انسانی و مادی و فکری را تجمیع و در جهت فرهنگ‌سازی مناسب سوق دهد.
- فراگیران را در پیدا کردن زندگی مطلوب و کوشش در جهت بهبود روابط اجتماعی شایسته و همه‌جانبه اجتماع یاری دهد.
- نسبت به توسعه کمی و کیفی اینگونه مدارس اقدام کند.

- قانون شوراهای آموزش و پرورش را به عنوان مهم ترین مظهر مشارکت مردم با نهاد تعلیم و تربیت عملی سازد.
- در جهت آماده سازی افکار عمومی برای غیرمتمرکز کردن آموزش و پرورش اقدام کند.
- موجبات ارتقای انگیزه و کارایی درونی و بیرونی آموزش و پرورش و تقویت بنیه معنوی اینگونه مدارس را فراهم آورد.
- و کلام آخر اینکه زمان را به روز و روز را به لحظه ها پیوند زند و با تغییرات سریع السیر دنیا همراه و همگام شود.

## منابع و ماخذ

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵)، *الاشارات و التنهيات*، مع الشرح للمحقق نصیرالدین محمدبن محمدبن الحسین الطوسی و شرح الشرح للعلامه قطب‌الدین محمدبن ابی جعفر الرازی، قم: البلاغه.
۲. پاکدامن، رضا (۱۳۷۴)، *جنبه‌های کاربردی خصوصی سازی*، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۳. پرکو پنکو، ژوزف (۱۳۸۰)، *مدیریت خصوصی سازی*، ترجمه حسین اکبری، تهران: آریانا، درسا و آتنا.
۴. پژوهشگاه آموزش و پرورش (۱۳۹۵)، «مدارس غیرانتفاعی و لزوم تأسیس سازمانی مستقل»، <http://www.rie.ir>.
۵. تقوی، مهدی و همکاران (۱۳۷۴)، *خصوصی سازی از تئوری تا عمل (مجموعه مقالات)*، تهران: آگاه.
۶. توحیدی، احمدرضا (۱۳۸۵)، *تأملی در اصول کلی نظام، حقوق و آزادی‌های مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، قم: معارف.
۷. جوادی، ذبیح‌الله (۱۳۴۸)، *القیای فلسفه جدید*، تهران: ابن سینا.
۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵)، «خصوصی سازی مدارس دولتی؛ آری یا نه؟»، <http://www8.irna.ir>.
۹. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۵)، «ترفند نجات آموزش و پرورش با خصوصی سازی مدرسه / مدرسه داری در سایر کشورها چگونه است؟»، <https://www.tasnimnews.com>.
۱۰. خبرگزاری مهر (۱۳۹۵)، «آموزش و پرورش از مدرسه داری خسته است»، <http://www.mehrnews.com>.
۱۱. خبرنامه دانشجویان ایران (۱۳۹۳)، «خصوصی سازی مدارس دولتی و مروری بر قانون اساسی»، <http://iusnews.ir>.
۱۲. خبرنگار و وطن امروز (۱۳۹۴)، «۱۴ آسیب خطرناک خصوصی سازی مدارس»، <http://www.vatanemrooz.ir>.
۱۳. داکوبرت، د. رونس (بی تا)، *فرهنگ مکتب‌های فلسفی*، ترجمه احمد اردوبادی، تهران: موسوی.
۱۴. ژکس (۱۳۵۵)، *فلسفه اخلاق (حکمت عملی)*، ترجمه ابوالقاسم پورحسینی، تهران: کتاب فروشی سیمرخ (وابسته به انتشارات امیرکبیر).
۱۵. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۸)، *مبانی روان‌شناختی تربیت*، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۱۶. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۴)، *فلسفه آموزش و پرورش*، تهران: امیرکبیر.
۱۷. شعبانی، قاسم (۱۳۸۶)، *حقوق اساسی و ساختار حکومت اسلامی*، تهران: اطلاعات.
۱۸. صناعی دره‌بیدی، منوچهر (۱۳۶۸)، *فلسفه اخلاق در تفکر غرب*، تهران: دانشگاه شهیدبهبشتی.
۱۹. صفارزاده، غلامرضا (۱۳۸۱)، «موانع خصوصی سازی در ایران»، ماهنامه تخصصی تدبیر، شماره ۱۲۹.
۲۰. طباحی، زهرا (۱۳۹۳)، «خصوصی سازی مدارس با کدام مجوز کلید خورد؟!»، روزنامه فارسی کیهان، سال هفتاد و سوم، شماره ۲۰۹۵۷، <http://kayhan.ir>.
۲۱. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۰)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۷۹)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۲۳. قاضی، سید ابوالفضل (۱۳۸۵)، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: میزان.
۲۴. قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۲)، *فرهنگ اقتصاد و بازرگانی*، تهران: رسا.
۲۵. گروهی از نویسندگان (۱۳۹۱)، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، زیر نظر: علامه محمدتقی مصباح یزدی، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان.
۲۶. لالاند، آندره (۱۳۷۷)، *فرهنگ علمی و انتقادی فلسفه*، ترجمه غلامرضا وثیق، تهران: فردوسی.
۲۷. لایحه برنامه ششم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور (۱۳۹۵)، تهران: مجلس شورای اسلامی.
۲۸. متوسلی، محمود (۱۳۷۳)، *خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار در توسعه اقتصادی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۲۹. مدرس، سیدمحمدرضا (۱۳۷۶)، *فلسفه اخلاق*، تهران: سروش.
۳۰. مصباح یزدی، مجتبی (۱۳۷۸)، *فلسفه اخلاق*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: صدرا.
۳۲. ملکشاهی، حسن (۱۳۷۵)، *شرح و ترجمه اشارات و تنبیهات*، تهران: سروش.
۳۳. مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۷۴)، *مطالعه موردی در راستای کاهش فعالیت‌های اقتصادی دولت*، تهران: وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۳۴. وارنوک، ج (۱۳۶۲)، *فلسفه اخلاق در قرن معاصر*، ترجمه و تعلیمات صادق الریجانی، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۵. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۲)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: میزان.
۳۶. هس مر، ال.تی (۱۳۷۷)، *اخلاق در مدیریت*، ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

37. Blackburn, Simon, 1996, Oxford dictionary of philosophy, New York, Oxford university press.
38. Lacey, A.R, 1991, Dictionary of philosophy, London and New York, Routledge.
39. Rorty, Richard and 72 Authorities, 1981, Dictionary of philosophy, New Jersey, Littlefield, Adams & Co.
40. Smart, J.J.C, 1972, The Encyclopedia of philosophy, ed: Paul Edwards, Vol:7, New York, Macmillan publishing Co.
41. Urmson, J.O & Ree, Jonathan, 1991, The concise Encyclopedia of western philosophy and philosopher, Routledge, London and New York.